

الله أكبر



پایان نامه کارشناسی ارشد
گروه: مدرسی معارف اسلامی
گرایش: آشنایی با منابع اسلامی

عنوان:

قرآن و شیوه‌های اصلاح فرهنگ جاهلی

استاد راهنما:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالکریم بهجت پور

استاد مشاور:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدابراهیم ایزدخواه

نگارش:

روح الله مسعودیان

۱۳۹۲

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از پایان نامه یا رساله برای
دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

اهداء

تقديم به محضر مصلح بزرگ جهان بشریت حضرت مهدی عج و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه عج و تمام کسانی که با اقتداء به سید الکونین ابا عبد الله الحسین عج دعوت خمینی کبیرا را لبیک گفته؛ جهت پیشرفت اسلام از جان خود گذشته، اسلام و قرآن را عزتی دوباره بخشیدند.

تقدیر و تشکر:

پس از حمد و ثناء خداوند متعال - که فضل و رحمت بی‌کران او ما را به
آستانه اهل بیت عصمت و طهارت هدایت کرده - بر خود لازم می‌دانم از
تمام اساتیدی که جهت پیشرفت علمی بنده زحمت کشیده‌اند تشکر نمایم.
همچنین از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر بهجت پور و مشاور گرامی
جناب آقای دکتر ایزدخواه تشکر ویژه دارم.
فرصت را غنیمت شمرده از دوستانی که در راستای چینش و ویراستاری
مطالب به اینجانب کمک نموده‌اند قدردانی می‌نمایم.
در آخر از همسر مهربان و فداکارم که سختی‌های راه را همراه بنده تحمل
کرده‌اند سپاس ویژه دارم.
اللهم اغفر لنا و لوالدینا و لمن و جب له حق علینا

چکیده:

قرآن کریم نه تنها از فرهنگ منحط عصر نزول اثر پذیری نداشته بلکه در آن اثر گذار هم بوده است. این اثر گذاری از جنبه های متفاوت قابل بررسی بوده که یکی از جنبه های بسیار مهم تغییرات و اصلاحات قرآن نسبت به فرهنگ جاهلیت میباشد. قرآن توانسته با عملکردی روشمند فرهنگ جاهلیت را از جهات مختلف اعتقادی اخلاقی و اجتماعی تعالی بخشیده و از انحطاط نجات دهد. عرب معاصر عصر نزول (جاهلی) دچار انحرافات فراوان اعتقادی از جمله شرک و بت پرستی و اخلاقی مانند فحشا و اجتماعی مثل اوضاع قمار بوده اند. شیوه های اصلاحی به کار گرفته شده توسط قرآن متفاوت و متنوع بوده است البته شیوه آگاهی بخشی و بصیرت دهی از همه بیشتر استفاده شده است. این اصلاحات از یک مهندسی خاصی تبعیت میکرده است مانند تنوع داشتن، جامعیت و کاملیت برنامه اصلاحی، به کار گرفتن ابزارهای مشروع و استفاده از واژگان قابل فهم و ... کلید واژه: قرآن، اصلاح، فرهنگ، جاهلی، عصر نزول، اصلاحات قرآنی، بینش و اعتقاد، ارزش، اخلاق، اجتماع، آگاهی بخشی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱. فصل اول: تعریف مفاهیم بنیادین تحقیق.....	۳
۱-۱. شیوه.....	۶
۲-۱. اصلاح.....	۶
۱-۲-۱. اصلاح در قرآن.....	۷
۲-۲-۱. تفاوت اصلاح و انقلاب.....	۱۰
۳-۲-۱. رابطه انقلاب و اصلاح در قرآن.....	۱۱
۳-۱. فرهنگ.....	۱۱
۴-۱. جاهلیت.....	۱۴
۱-۴-۱. محدوده زمانی و مکانی دوره جاهلیت.....	۱۴
۲-۴-۱. جاهلیت در قرآن.....	۱۵
۱-۲-۴-۱. آیه اول.....	۱۶
۲-۲-۴-۱. آیه دوم.....	۱۸
۳-۲-۴-۱. آیه سوم.....	۱۹
۴-۲-۴-۱. آیه چهارم.....	۱۹
۲. فصل دوم: گزارشی از فرهنگ جاهلی.....	۲۳
۱-۲. وضعیت بینش و اعتقاد در عصر جاهلی.....	۲۸
۱-۱-۲. اعتقاد به شرک و بت پرستی.....	۲۹
۱-۱-۱-۲.....	۳۱
۱-۱-۱-۲. جن.....	۳۱
۲-۱-۱-۲. بت‌های ساخته شده.....	۳۱
۳-۱-۱-۲. ملانکه.....	۳۲
۲-۱-۱-۲. علل پیدایش بت و بت پرستی.....	۳۲
۲-۱-۲. اعتقاد به دختر خدا بودن فرشتگان.....	۳۵
۳-۱-۲. انکار قیامت.....	۳۵
۴-۱-۲. اعتقاد به خرافات.....	۳۶
۱-۴-۱-۲. دندان.....	۳۶

ب.

۳۷ عطسه. ۲-۴-۱-۲
۳۷ نار الاستمطار. ۳-۴-۱-۲
۳۷ خرافات در مورد شتر و گوسفند. ۴-۴-۱-۲
۳۸ اعتقادات ناصحیح در مورد اعمال عبادی. ۵-۱-۲
۳۹ نماز مکه و تصدیه. ۱-۵-۱-۲
۴۰ حج جاهلی. ۲-۵-۱-۲
۴۱ تشریح نمودن از جانب خود. ۶-۱-۲
۴۲	۲-۲. وضعیت اخلاق و معنویات در عصر جاهلی
۴۲ انحراف در ارزشهای اخلاقی. ۱-۲-۲
۴۲ تعصب قومی. ۲-۲-۲
۴۲ فحشا. ۳-۲-۲
۴۲ فخر فروشی. ۴-۲-۲
۴۳ سخت‌دلی و عدم ترحم. ۵-۲-۲
۴۳ قتل فرزندان. ۶-۲-۲
۴۴ وضعیت علم و دانش. ۷-۲-۲
۴۶	۳-۲. وضعیت حقوق و اجتماع در عصر جاهلی
۴۷ ساختار اجتماعی قبیله‌ای. ۱-۳-۲
۴۸ وضعیت اجتماعی زنان. ۲-۳-۲
۴۹ روابط جنسی در عهد جاهلیت. ۳-۳-۲
۵۱ وضعیت اجتماعی فرزندان. ۴-۳-۲
۵۱ وضعیت حکومت. ۵-۳-۲
۵۲ جنگ. ۶-۳-۲
۵۳ سلطه‌پذیری فرهنگی از اهل کتاب. ۸-۳-۲
۵۳ وضعیت اقتصادی. ۹-۳-۲
۵۵ غارت و چپاول. ۱-۹-۳-۲
۵۶ میسر یا قمار. ۲-۹-۳-۲
۵۶ استیسار. ۳-۹-۳-۲
۵۶ ربا. ۴-۹-۳-۲
۵۷ کسب از راه فحشاء. ۵-۹-۳-۲

۵۸. فصل سوم: اصلاحات قرآنی

۵۹	۱-۳. بیان برخی از روشهای اصلاحی و تربیتی
۵۹ روش‌های بینش‌افزایی. ۱-۱-۳
۶۰ روش‌های ارزش‌آفرین. ۲-۱-۳
۶۰ روش‌های رفتارساز. ۳-۱-۳
۶۰	۲-۳. اصلاحات بینشی و اعتقادی

- ۳-۲-۱. مبارزات عملی با خرافات و ترویج فکر و تفکر..... ۶۱
- ۳-۲-۲. طرح نظریه توحید در مقابل شرک..... ۶۴
- ۳-۲-۲-۱. توحید ذات..... ۶۶
- ۳-۲-۲-۲. توحید صفات..... ۶۷
- ۳-۲-۲-۳. توحید افعالی..... ۶۷
- یکم: توحید خالقیت..... ۶۷
- دوم: توحید ربوبیت..... ۶۷
- سوم: توحید در قانونگذاری و تشریح..... ۶۸
- چهارم: توحید در مالکیت..... ۶۸
- پنجم: توحید حاکمیت..... ۶۸
- ششم: توحید اطاعت..... ۶۸
- ۳-۲-۲-۴. توحید در عبادت..... ۶۸
- ۳-۲-۳. طرح نظریه توحید عبادی و نفی بت پرستی..... ۶۹**
- ۳-۲-۴. نفی بت پرستی..... ۷۱
- ۳-۲-۵. خداوند، موصوف بی‌همتا..... ۷۶
- ۳-۲-۶. توجه به معاد..... ۷۷
- ۳-۲-۷. مسئولیت آفرینی در برابر خدایی یگانه..... ۸۳
- ۳-۲-۸. قرآن و اهتمام به دین و دنیا..... ۸۵
- ۳-۳. اصلاحات در حیطة ارزش و اخلاق..... ۸۹**
- ۳-۳-۱. تقوا، ارزش واقعی هر فرد..... ۹۰
- ۳-۳-۲. مبارزه با تعصبات جاهلانه..... ۹۲
- ۳-۳-۳. ارزش آفرینی برای عفت و پاکدامنی..... ۹۴
- ۳-۳-۴. تفاخر ارزش بی ارزش..... ۹۶
- ۳-۳-۵. ارزش دهی به علم و تکریم عالمان..... ۹۹
- ۳-۴. اصلاحات قرآن در حیطة حقوق و اجتماع..... ۱۰۱**
- ۳-۴-۱. قرآن احیاگر حقوق زنان و ضعفا..... ۱۰۲
- ۳-۴-۲. اصلاح امور جنسی در امر ازدواج..... ۱۰۵
- ۳-۴-۳. اثبات و ترویج حاکمیت الهی در جامعه..... ۱۰۹
- ۳-۴-۴. جایگاه جهاد در اسلام..... ۱۱۳
- ۳-۴-۵. منع از غارت و خوردن اموال یکدیگر به ناحق..... ۱۱۷
- ۳-۴-۶. منع از قمار..... ۱۲۱
- ۳-۴-۷. رباخواری ممنوع..... ۱۲۳
- ۴. فصل چهارم: اصول حاکم بر تحول فرهنگی..... ۱۲۸**
- ۴-۱. تنوع در روش..... ۱۲۹

- ۱۳۰ ۱-۱-۴. تأیید و تثبیت فرهنگی
- ۱۳۱ ۲-۱-۴. زدودن فرهنگ جاهلی
- ۱۳۱ ۳-۱-۴. جایگزین‌سازی
- ۱۳۲ ۲-۴. جامعیت و کاملیت در برنامه
- ۱۳۲ ۳-۴. پروسه زمانی
- ۱۳۳ ۴-۴. به کارگیری ابزارهای مشروع و اخلاقی
- ۱۳۳ ۵-۴. استفاده از واژه‌های قابل فهم
- ۱۳۴ ۶-۴. وجود مصلح آگاه در راس امور
- ۱۳۷ ۷-۴. دستاوردهای تعالیم قرآن
- ۱۳۹ فهرست منابع

مقدمه

موضوع و عنوان این مقاله قرآن و شیوه های اصلاح فرهنگ جاهلی است. برای دستیابی به این منظور مطالب در چهار فصل ارائه شده اند.

در فصل اول در مورد کلیات و توضیح مفردات عنوان مقاله، همچنین روش اصلاح، توضیح داده شده است؛ مخصوصاً بحث مفصلی درباره جاهلیت مطرح شده و آن را از جهت محدوده زمانی و مکانی مورد بررسی قرار داده ایم.

در فصل دوم گزارشی کوتاه و اجمالی از اوضاع و احوال عصر جاهلیت - که همان عصر نزول قرآن است - ارائه شده است. گزارش ما در این فصل از فرهنگ زمان جاهلیت از این رو بوده است که خصوصیات زمان جاهلیت نزد خواننده مقاله حاضر بوده و به آسانی در دسترس او باشد و گر نه اوضاع نابسامان جاهلیت در تاریخ به صورت مفصل ذکر شده و چندان نیازی به تبیین و توضیح ندارد. این فصل در ۳ بخش دسته بندی شده است:

بخش اول، انحرافات مربوط به اعتقاد و بینش مردم آن زمانه؛

بخش دوم، گزارشی از وضعیت اخلاق و معنویات در عصر جاهلی؛

بخش سوم، وضعیت حقوق و اجتماع در عصر جاهلی بررسی شده است.

فصل سوم این مقاله - که طولانی ترین قسمت نیز می باشد - اصلی ترین مباحث را در بر گرفته است؛ در این فصل روشهای اصلاحی به کار بسته شده در قرآن بیان شده که در ابتدا برخی از روشهای تربیتی ذکر شده است. این روشها از کتب نوشته شده در این زمینه انتخاب شده اند. این فصل نیز - مثل فصل دوم - به ۳ بخش اعتقادی - بینشی، اخلاقی - معنوی و حقوقی - اجتماعی تقسیم شده است. در این بخشها ابتدا انحرافات و فرهنگ باطل و رایج در عصر نزول قرآن با توجه به آنچه که در فصل دوم ارائه می شود - به صورت فهرست وار - آمده و بعد برای هر کدام به صورت تفصیلی بحث شده است. بحث تفصیلی به این صورت است که آیه مربوط به انحراف ذکر شده و

بعد نظر مفسران در آن آیه بیان شده و در آخر روشهایی که ما توانسته ایم برداشت کنیم بیان و توضیح داده شده است. پر واضح است که بیان این روشها به معنای بیان تمام روشهای موجود در آیه نیست و ممکن است از آیه مطالب دیگری نیز استفاده شود.

فصل چهارم، جمع بندی مطالب و آنچه که به عنوان نتیجه از مباحث سابق می توان بیان کرد را به خود اختصاص داده است. در آخر این فصل اشاره ای به دستاوردهای تعالیم قرآن نیز شده است.

۱. فصل اول:

کلیات و تعریف معایم بنیادین تحقیق

۱-۱. بیان مساله

برخی از نظریه پردازان توهم کرده اند که قرآن از فرهنگ عصر نزول تبعیت کرده و پاره ای از آنها در این کتاب آسمانی انعکاس پیدا کرده است. اما این نظریه با معجزه بودن و جاودانگی قرآن سازگاری ندارد و با مراجعه به خود قرآن متوجه می شویم که این ادعایی باطل است. قرآن در فرهنگ موجود انقلابی به پا کرده و آن را از اساس متحول کرده و رویکرد قرآن نسبت به فرهنگ موجود رویکرد اصلاحی بوده نه بازتاب آن در قرآن.

قرآن پژوهانی که مسیر را به درستی پیموده و از انصاف و وجدان خارج نشده اند نیز اثر پذیری قرآن از فرهنگ زمانه را نفی کرده اند.

در این پایان نامه اثر گذاری قرآن و اصلاحاتی که در فرهنگ موجود ﴿با تکیه بر اعتقادات و اخلاق و اجتماع﴾ انجام داده است آورده شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱. مساله اصلی

آیا قرآن جهت اصلاح فرهنگ جاهلیت دارای شیوه بوده و روشمند عمل کرده است؟
اگر روشمند عمل نموده این روش انحصاری بوده یا اینکه از شیوه های متعدد استفاده کرده است؟ در صورتی که متعدد بوده اند از کدام شیوه استفاده بیشتری شده است؟

۳-۱. سوالات فرعی

اوضاع فرهنگی قبل از نزول قرآن در سه محور یاد شده (اعتقادات، اخلاق، اجتماع) چگونه بوده است؟
شیوه های به کار بسته شده توسط قرآن چه بوده است؟
شیوه های به کار گرفته شده توسط قرآن از چه اصولی پیروی میکرده است؟

۴-۱. فرضیه

قرآن نه تنها از فرهنگ عصر نزول تبعیت نکرده و از آن اثر پذیری نداشته است بلکه اثر گذار بوده و نقش فاعلی داشته است. اثرات قرآن بر فرهنگ عصر خود که شبیه به يك انقلاب بزرگ است از يك نظام و مهندسی خاصی پیروی می کرده است و قرآن در راستای اصلاحات مطلوب خود با اتخاذ

شیوه های مناسب روشمند عمل نموده است . این شیوه ها متعدد بوده اند .
در بین شیوه های کاربرستی قرآن روش آگاهی بخشی کاربرد بیشتری داشته زیرا اساس انحرافات آنها
جهل و نادانی بوده است . اوضاع رقت بار فرهنگی آنها نتیجه نابخردی حاکم بر جامعه آنها بوده است .

۱-۵. اهمیت و ضرورت

از آنجهت که قرآن کریم کتابی جاودانی و پایان ناپذیر است تعالیم و رهنمودهای آن هم همیشگی و
تمام نشدنی هستند. یا به عبارت بهتر قرآن کریم اختصاص به زمان و مکان ندارد. بلکه در همه زمانها
برنامه رستگاری و نجات انسانها در آن است و سعادت واقعی را باید از درون آن به دست آورد.
جامعه امروز ما از نظر صنعت و تکنولوژی بسیار پیشرفته است ولی فرهنگ در مسابقه با صنعت و
تکنولوژی بسیار عقب مانده است. انحطاط فرهنگی امروز با انحطاط فرهنگی در زمان جاهلیت از يك
جنس هستند فقط شکل آن عوض شده است.

۱-۶. پیشینه تحقیق

ارتباط و تعامل قرآن با فرهنگ عصر جاهلیت از جهات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است مانند
اثر پذیری و تحول آن توسط قرآن یا اثر گذاری آن بر قرآن ؛ در این زمینه میتوان به کتاب شبها و
ردود نوشته استاد مرحوم آیت الله معرفت فصل دوم و کتاب قرآن و فرهنگ زمانه نوشته محمد علی
ایازی ومقاله قرآن و فرهنگ زمانه آقای رضایی اصفهانی اشاره کرد.

همچنین مانند انعکاس فرهنگ جاهلیت در قرآن که در این زمینه میتوان به رساله دکتری آقای
ایزدخواه در دانشگاه قم با نام بررسی و تحلیل آیات جامعه شناختی عصر جاهلیت اشاره کرد.
آنچه که ما در این پایان نامه به دنبال آن بوده ایم به دست آوردن و اصطیاد شیوه های اصلاحی قرآن
نسبت به فرهنگ جاهلیت آنهاست که در این زمینه کار کمی صورت گرفته است.
تنها نوشته ای از جناب آقای سید موسی صدر با عنوان قرآن و شیوه اصلاح فرهنگ در اینترنت پیدا
کردم. هدف ایشان در آن رساله با آنچه که ما به دنبال او بوده ایم فرق دارد زیرا ما اصطیاد شیوه ها از
خود قرآن را هدف قرار داده ایم.

بایسته است قبل از هر چیز به شناخت مختصری از مفاهیم این تحقیق پرداخته شود، آنهم مفاهیمی که خود دچار تشتت آرا هستند و در عرف، لغت و شرع مقدس معانی گوناگونی دارند؛ حتی در برخی از موارد اختلاف چشم‌گیری با یکدیگر دارند.

توضیح این مفاهیم تا اندازه‌ای سیر بحث را روشنتر و مسیر را واضحتر می‌گرداند. عناوینی که به نظر می‌رسد در این نوشتار نیاز به توضیح و تبیین دارند عبارتند از: روش، اصلاح، فرهنگ و جاهلیت.

کلمه قرآن به دلیل وضوح مفهومی و مصداقی نیاز به توضیح و تفسیر ندارد؛ زیرا مشخص است منظور از قرآن همان کتاب آسمانی مسلمانان می‌باشد که از طرف خداوند متعال به وسیله فرشته‌ی وحی به شخص پیامبر اسلام، یعنی محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده است.

۱-۷. شیوه

شیوه در لغت مترادف با روش می‌باشد. مراد از روش سبک و طریق و چگونگی انجام دادن کاری است^۱ و شیوه راه و روش قاعده قانون و طریقه است^۲ در واژه نامه نوین نیز شیوه را به همین معنی دانسته است: روش عادت قانون طریقه.^۳

۱-۸. اصلاح

اصلاح از ریشه صلح و در برابر افساد^۴ می‌باشد و در لغت به معنای شایسته شدن، خوب شدن^۵، بسامان کردن، سازش دادن^۶، آشتی دادن^۷، درست شدن، آباد کردن کارها، وظایف خود را درست

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، شماره حرف ر، ج ۸، ص ۱۲۳۷۸.

۲. محمد معین فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۴۶۹.

۳. محمد قریب واژه نامه نوین حرف ش انتشارات بنیاد ۱۳۶۰

۴. محمد بن مکرّم، ابن منظور، الافریقی المصری، لسان العرب، ج ۲، ص ۵۱۶؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۸۹.

۵. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۴۱.

۶. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۲۹۳.

۷. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۸۶.

انجام دادن^۱ و دور کردن تباهی^۲ دانسته شده است. و در اصطلاح، انجام کاری است که یا افساد را برطرف کند و یا زمینه بروز آن را از بین ببرد که به لحاظ نوع موضوع فرق می‌کند؛ مانند اصلاح نفس، اصلاح ذات البین و اصلاح ساختمان^۳. بنابراین اصلاح از صلاح بوده و به معنای باقی ماندن و یا بودن هر چیزی است به مقتضای طبع اصلیش، تا آنچه خیر و فایده در خور آن است بر آن مترتب گردد، بدون اینکه به خاطر فسادش چیزی از آثار نیک آن تباه گردد^۴. با توجه به معانی ذکر شده اینگونه می‌توان برداشت نمود که معنای مشترك در همه مشتقات این واژه، سلامت از فساد می‌باشد که شامل سلامت در ذات و موضوع یا سلامت در رای و نظر و یا سلامت در عمل و رفتار می‌گردد. گرچه کاربرد آن در عمل و رفتار بیشتر از موارد دیگر است.

۸-۱-۱. اصلاح در قرآن

اصلاح در قرآن، در مقابل افساد است. افساد یعنی نابسامانی ایجاد کردن و از حالت تعادل بیرون بردن؛ چنان که راغب اصفهانی می‌گوید:

«فساد هرگونه خارج شدن اشیاء از حالت اعتدال است، کم باشد یا زیاد، و نقطه مقابل آن، صلاح است که در جان و بدن و اشیایی که از حد اعتدال خارج می‌شوند، تصور می‌شود^۵». و افساد را هم به همین معنا دانسته است.

پس در اصطلاح قرآن فساد عبارت است از تغییر دادن هر چیزی از آنچه طبع اصلی آن اقتضا دارد و اصلاح، باقی ماندن هر چیزی است به مقتضای طبع اصلیش تا آنچه خیر و فایده در خور آن است بر آن مترتب گردد، بدون آن که به خاطر فسادش چیزی از آثار نیک آن تباه گردد^۶.

۱. رضا مهبیار، فرهنگ اَبجدی عربی-فارسی، ص ۵۹.

۲. علی اکبر دهخدا، «همان»، ص ۲۸۲۹.

۳. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱، ص ۵۱۲.

۴. محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۴۰۰.

۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، «همان»، ص ۶۳۶ («الفساد خروج الشيء عن الاعتدال قليلاً كان او كثيراً و يصاده الصلاح، و يستعمل ذلك في النفس و البدن و الاشياء الخارجة عن الاستقامة.»)

۶. محمد باقر موسوی همدانی، «همان»، ج ۱۵، ص ۴۰۰.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این دو را دو صفت متقابل و متضاد قرار داده، می‌فرماید: «فانّ الصّلاح و الفساد شأنان متقابلان^۱». و علامه شهید مطهری از افساد و اصلاح تعبیر زوج متضاد قرآنی دارند:

افساد و اصلاح از زوجهای متضاد قرآن است، زوجهای متضاد، یعنی واژه‌های اعتقادی و اجتماعی که دو به دو در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند و به کمک یکدیگر بهتر شناخته می‌شوند؛ از قبیل توحید و شرک، ایمان و کفر، هدایت و ضلالت، عدل و ظلم، خیر و شر، اطاعت و معصیت، تقوا و فسوق، استکبار و استضعاف و غیره. برخی از این زوجهای متضاد از آن جهت در کنار یکدیگر مطرح می‌شوند که یکی باید نفی و طرد شود تا دیگری جامه تحقق ببوشد، اصلاح و افساد از این قبیل است^۲».

مانند «الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ^۳»؛ «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...^۴»، «وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ^۵»؛ چنان که مصلحان را در مقابل مفسدان قرار داده و می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ^۶».

در بررسی کاربردهای قرآنی کلمه اصلاح نیز به این معنی می‌رسیم که قرآن اصلاح را در جایی می‌داند که فساد و تباهی از بین رفته باشد؛ یعنی فساد و تباهی وجود داشته، بعد از بین رفته باشد: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ^۷؛ از تو در باره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است.

در این آیات خود کلمه اصلاح آمده است و اگر مشتقات دیگر از این ریشه (ص ل ح) را بررسی

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۱.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۲۴.

۳. شعراء، ۱۵۲.

۴. اعراف، ۵۶ و ۸۵.

۵. بقره، ۲۲۰.

۶. ص، ۲۷.

۷. بقره، ۲۲۰.

کنیم تفاوت معنایی ثلاثی مزید با ثلاثی مجرد آن روش‌تر می‌شود.

در قرآن، گاهی صالح در مقابل سیئه قرار گرفته: «وَ آخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخِرَ سَيِّئًا...»^۱ و گاهی وصف عمل قرار می‌گیرد: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۲ که مراد کار شایسته است که مطابق عدل و انصاف باشد که قهرا مفید و مورد رضای خداست. و گاهی وصف شخص واقع می‌شود: «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ»^۳؛ «وَ كَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا»^۴. صالح در این آیات وصف شخص است.

گاهی به معنای بی عیب بودن به کار رفته: «دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْتَنَا صَالِحًا... فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا...»^۵ که ظاهراً مراد تام الخلقه و بی عیب بودن است^۶ و گاهی به معنای لیاقت و اهلیت داشتن به کار رفته: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ»^۷.

گاهی مراد ایجاد صلح و سازش و الفت است: «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ»^۸؛ «أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ»^۹ و گاهی به معنای اصلاح و شایسته کردن چیزی است: «كَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بِهِمْ»^{۱۰}؛ یعنی سیئاتشان را تکفیر و حالشان را اصلاح کرد.

و در برخی موارد اسم یکی از پیامبران عظیم الشانی به نام صالح است که نام مبارکش در کلام الله مجید ۹ بار آمده و از حیث زمان بعد از نوح و قبل از ابراهیم است.

این رسول گرامی بر قوم ثمود مبعوث گردید که قومی بت پرست بودند و هر چه بیشتر تبلیغ کرد، در

۱. توبه، ۱۰۲.

۲. فاطر، ۱۰.

۳. تحریم، ۴.

۴. کهف، ۸۲.

۵. اعراف، ۱۸۹ و ۱۹۰.

۶. علی اکبر قرشی، «همان» ج ۴، ص ۱۴۱.

۷. نور، ۳۲.

۸. بقره، ۱۸۲.

۹. بقره، ۲۲۴.

۱۰. محمد، ۲.

قوم خویش گوش شنوا نیافت و سرانجام صاعقه شدیدی بر آنها باریدن گرفت و همه را با آتش و صیحه خود از بین برد و صالح با پیروان خویش از عذاب نجات یافتند.^۱ با توجه به مطالب بیان شده، این گونه می‌توان جمع بندی کرد که هر کاری در جهت رفع عیوب و از بین بردن فساد باشد در معنای اصلاح جای دارد که این معنی هم با کاربرد و استعمالات قرآنی سازگاری دارد و هم با نظرات لغویون. در این مقاله نیز آن روشهایی که توسط قرآن به کار گرفته شده تا فرهنگ عصر جاهلی از فساد و منجلاب فرو رفته و نهادینه شده در آن بیرون بیاید و در يك کلمه به صلاح و کمال برسد، مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۸-۲. تفاوت اصلاح و انقلاب

در اینجا نکته ای لازم است تذکر داده شود که اصلاح با انقلاب تفاوتی اساسی دارد؛ اگر چه کاری که قرآن با جامعه و فرهنگ موجود در آن زمان کرده است بی‌شبهت به انقلابی بزرگ نیست، اما در ادبیات سیاسی، دو واژه «انقلاب» و «اصلاحات» از نظر معنا و کاربرد با هم متفاوت‌اند؛ دامنه تغییرات در انقلاب بسیار گسترده‌تر، اساسی‌تر، بنیادی‌تر و همه جانبه‌تر از اصلاحات است.^۲ انقلاب در لغت به معنای دگرگونی و تغییر و تحول در ماهیت است و در اصطلاح به حرکت مردمی گفته می‌شود که در جهت تغییر سریع و بنیادی در ارزشها و باورهای مسلط جامعه همراه با خشونت صورت می‌گیرد^۳ و به عبارت دیگر طغیان و عصیان علیه نظم حاکم موجود را گویند.^۴ اصلاح و اصلاحات در عرف سیاسی، در جایی به کار می‌رود که يك انحراف اساسی حکومتی پدیده آمده و نیاز به هدایت آن در مسیری درست باشد؛ این تغییر اگر دفعی باشد، انقلاب نام می‌گیرد و اگر تدریجی و آرام باشد رفرم^۵ یا همان اصلاح خوانده می‌شود.

۱. علی اکبر قرشی، «همان» ج ۴، ص ۱۴۱.

۲. آیت مظفر، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، ص ۲۷۶.

۳. جمعی از نویسندگان، آشنایی با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، ص ۲۸.

۴. مرتضی مطهری، «همان»، ج ۲۴، ص ۳۵۳.